

دفاع مشروع علیه گروه‌های تروریستی در سرزمین دولت خارجی

محمدعلی کشور^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱/۲۲

دکتر سید یاسر ضیایی (نویسنده مسئول)^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۳/۲۱

چکیده

حقوقدانان به درستی مهمترین دستاورد منشور ملل متحد را «ممنوعیت توسل به زور» بر اساس ماده (۴) ۲ منشور می‌دانند. تنها استثناء پیش‌بینی شده در منشور، استفاده از زور به موجب ماده ۵۱ در چارچوب «دفاع مشروع» است. در عین حال، برخی معتقدند که حقوق بین‌الملل عرفی نیز حق دفاع از خود را در برابر حمله قریب الوقوع به رسمیت می‌شناسد. پس از حادثه ۱۱ سپتامبر و گسترش تهدید فرامرزی تروریسم، برخی از کشورها تلاش می‌کنند تا عنوان تروریست را برای گروه‌های مخالف خود اطلاق کنند و علیه این گروه‌ها حتی در خاک کشورهای دیگر به زور متوسل شوند. گروهی از حقوقدانان نظریه «دفاع مشروع پیشگیرانه» را در قالب تفسیری موسع از ماده ۵۱ منشور برای مقابله با تهدید تروریستی غیر فوری ارائه کردند. سؤال این است که آیا با توجه به رویه و اصول و روش‌های تفسیر حقوقی می‌توان از این نظریه دفاع کرد؟ پاسخ این است که نظریات تفسیری این رویکرد حقوقی را تأیید نمی‌کند و رویه متحدی برای حمایت از این نظریه توسط دولت‌ها یا نهادهای بین‌المللی ایجاد نشده است؛ اما این ارزیابی به معنای نادیده گرفتن ضرورت ارائه راه حل قانونی برای مبارزه با تروریسم نیست. امکان دفاع مشروع علیه اقدامات تروریستی در سرزمین دولتی که حمایت مؤثر دارد قطعی است و در سرزمین دولتی که حمایت کلی دارد قابل دفاع است. همچنین با توجه به رویه شورای امنیت و برخی دولت‌ها دفاع مشروع علیه اقدامات تروریستی در سرزمین دولت پناه دهنده و یا در سرزمین دولت ناتوان با تردید کمی مواجه است. در دفاع مشروع علیه اقدامات تروریستی در سرزمین دولت بی‌تمایل نیز به نظر می‌رسد در صورت اطلاع به دولت میزبان و عدم اقدام دولت میزبان در صورت ناتوان نبودن آن، امکان دفاع مشروع علیه تروریست‌ها بدون تعرض به تمامیت ارضی و حاکمیت سیاسی آن وجود خواهد داشت.

کلیدواژه: توسل به زور، دفاع پیشدستانه، دفاع مشروع، دفاع پیشگیرانه، تروریسم.

^۱ دانشجوی دکتری تخصصی، گروه حقوق، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

^۲ دانشیار، گروه حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران.

اصل ۵۱ منشور به هیچ وجه، به حق حمله به دولت دیگر به دلیل ترس از اینکه آن دولت در حال طراحی یا توسعه سلاح‌های قابل استفاده در حمله احتمالی آتی است، اشاره‌ای ندارد. جنگ پیش‌دستانه جنگی برای جلوگیری از حمله دشمن به منظور کسب امتیاز استراتژیک در جنگی در شرف وقوع است. در این جنگ، صلح بصورت پیش‌دستانه نقض، و جنگ در شرایطی که هیچ حمله‌ای صورت نگرفته آغاز می‌شود. پیش از حادثه ۱۱ سپتامبر، عموم دولت‌ها تفسیر مضیقی از اصل ۵۱ منشور ارائه می‌دادند. اکثر آنها حق دفاع مشروع علیه شبکه‌های تروریستی مستقر در قلمرو دول دیگر را قبول نداشته، و اکثراً اقدام مسلحانه به قصد جلوگیری از حملات آتی را نامشروع و غیرقانونی می‌دانند. در مقابل این نظر، سه کشور آمریکا، اسرائیل و آفریقای جنوبی بر واکنش به حملات تروریستی، بر استفاده از حق دفاع از خود پیش‌دستانه تاکید داشته و معتقدند با استناد به این اصل مجازند پایگاه تروریست‌ها در خاک سایر کشورها را مورد حمله قرار دهند. آنچه که مشخص است آن است که اصل ۵۱ منشور صراحتاً ذکر نموده است که «دفاع از خود» تنها زمانی مجاز است که یک حمله مسلحانه بوقوع پیوسته باشد. در فقدان عنصر حمله مسلحانه، استناد به اصل ۵۱ مسموع نیست.

در ظاهر امر یکی از راهکارهای ساده تقابل با تروریسم توسل به زور در قالب اقدامات نظامی و شبه نظامی است، در حالی که اسناد بین‌المللی همچون بند ۴ ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد پس از پروتکل ژنو ۱۹۲۴ و معاهدات لوکارنو ۱۹۲۵، توسل به زور را مطلقاً ممنوع کرده است. علیرغم اصل ممنوعیت توسل به زور که یکی از اصول بنیادین حقوق بین‌الملل است، در طی چند دهه‌ی اخیر بارها شاهد بودیم که دولت‌ها از زور علیه تهدیدات تروریستی استفاده کرده‌اند و این در حالی است که بنا بر منشور ملل متحد توسل به زور جز در شرایط دفاع مشروع و مجوز شورای امنیت عمل تجاوز در کنار تهدید و نقض صلح و امنیت بین‌المللی از عوامل مربوط به صلح جهانی شناخته شده است.

بنابراین سؤالی که وجود دارد این است که آیا توسل به زور در تقابل با گروه‌های تروریستی با انجام عملیات‌های نظامی فرامرزی نقض اصول و قواعد حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود یا این اقدام یکی از استثنائات وارده بر ممنوعیت توسل به زور خواهد بود؟ در این مقاله به جز حادثه ۱۱ سپتامبر که ابعاد جهانی دارد تلاش بر این است به نمونه‌هایی اشاره شود که شباهت زیادی به موضوع مطالعه محوری داشته است. تقریباً اکثر کشورهای دنیا به نوعی با موضوع تروریسم و گروه‌های تروریستی درگیر بوده و آسیب‌هایی نیز از این راه پذیرفته‌اند، ولی کشورهایی وجود دارند که تأثیر زیادی از تروریسم در حیات آن کشور مشاهده شده است و طبیعی است که نظر آن کشورها به ویژه زمانی که متوجه حمله تروریستی از سرزمین دولت خارجی شده‌اند حائز اهمیت بیشتری در این موضوع است. لذا در قالب سه بخش اقدام نظامی علیه تروریست‌ها ۱- در شرایط حمایت نظامی دولت میزبان ۲- در شرایط پناه دادن دولت میزبان ۳- در شرایط دولت ناتوان یا بی تمایل میزبان بررسی می‌گردد.

از طرفی در مواقعی که حمله‌ای به یک کشور انجام می‌گیرد ممکن است برخی دولت‌ها به دلیل سطح روابط با کشور مورد حمله یا نوع نگاه سیاسی یا ایدئولوژیکی نظر متفاوتی نسبت به سایر دولت‌ها داشته باشند و آن گروه را تروریستی ندانسته و به عنوان گروه‌های غیر دولتی به رسمیت شناخته باشند. بسیاری از گروه‌های غیردولتی، گروه‌هایی

هستند که علیه اشغالگران و با متجاوزان به سرزمین خود قد علم کرده اند و لذا نمی توانند به عنوان گروه تروریستی شناخته شوند. در این مقاله نیز اگر جایی از گروه های غیر دولتی و یا کنش گران نام برده شده منظور گروه های تروریستی می باشند، نه مبارزان راه آزادی.

۱- دفاع مشروع علیه تروریست های تحت حمایت دولت میزبان

حمایت به شیوه های نظامی، مالی، اطلاعاتی، سیاسی، آموزشی و غیره صورت می گیرد که در گاهی این حمایت ها به درجه ای می رسد که می توان گفت اگر آن حمایت نبود آن اقدام نیز به وقوع نمی پیوست. از این معیار به کنترل مؤثر یاد می شود. چنانچه حمله مسلحانه تروریست ها به دولت خارجی با حمایت مؤثر دولت میزبان باشد آن اقدامات منتسب به دولت میزبان می شود. در این صورت اقدامات تروریستی گویی اقدامات دولت است که از آن به تروریسم دولتی یاد می شود. در چنین حالتی دفاع مشروع علیه دولت مورد نظر قابل قبول است.

این حمایت باید به اندازه ای باشد که گفته شود چنانچه آن حمایت نبود آن اقدام تروریستی هم انجام نمی شد. این همان معیار کنترل مؤثری است که در رویه دیوان بین المللی دادگستری به رسمیت شناخته شده است. در صورتی که دولت میزبان چنین گروه هایی اقدام به حمایت مؤثر از آنها کرده و دولت قربانی می تواند متوسل به به دفاع مشروع بر مبنای ماده ۵۱ منشور ملل متحد شود (9: 2015, Hakimi).

با این حال چنانچه سطح حمایت ها مادون معیار پیش گفته باشد، مسئله حمایت کلی مطرح می شود. دیوان بین المللی دادگستری در دعوای نیکاراگوئه علیه آمریکا، تأمین سلاح برای کنشگران غیردولتی را نه به معنای انتساب عمل به دولت حامی بلکه حداقل نقض قاعده توسل به زور یا مداخله در امور داخلی تلقی نموده که در سطحی پایین تر از نقض قاعده منع تجاوز و یا مبادرت به حمله مسلحانه قرار دارد. (Case Concerning Military And Paramilitary Activities In And Against Nicaragua. Para. 228) شورای امنیت در قطعنامه های مختلف از جمله در قطعنامه ۲۱۶۰ (۲۰۱۴) از همه کشورها می خواهد که از عرضه مستقیم یا غیرمستقیم، فروش، یا انتقال سلاح ها و مواد مرتبط با همه انواع آن شامل سلاح و مهمات، وسایل نقلیه نظامی و تجهیزات لازم، تجهیزات شبه نظامی و قطعات یدکی، کمک یا آموزش مربوط به فعالیتهای نظامی از سرزمین های خود یا اتباع خود در خارج از سرزمین هایشان یا استفاده از کشتی یا هواپیمای پرچم آنها، جلوگیری نمایند و یا در قطعنامه ۲۳۷۰ (۲۰۱۷) از همه کشورها می خواهد تا در جهت کمک به از بین بردن عرضه اسلحه به تروریست ها، به عضویت در معاهدات مربوط بین المللی و منطقه ای بپیوندند. در این حالت صرفاً امکان توسل به اقدام متقابل یا طرح مسؤولیت بین المللی دولت میزبان وجود دارد.

اما توسل به دفاع مشروع ممکن است در تعارض با تمامیت سرزمینی و حاکمیت سیاسی دولت میزبان قرار گیرد. همانطور که در بخش اقدام نظامی علیه تروریست های در پناه دولت میزبان بیان می شود امکان دفاع مشروع علیه تروریست ها در داخل سرزمین دولت میزبانی با اراده عدم تجاوز به تمامیت سرزمینی و حاکمیت سیاسی دولت میزبان، وجود دارد چه برسد به وضعیتی که دولت میزبان از تروریست ها حمایت نیز به عمل می آورد.

۲- دفاع مشروع علیه تروریست‌های تحت پناه دولت میزبان

در برخی موارد دولت‌ها بدون آنکه اقدام به حمایت از گروه‌های تروریستی کنند با آگاهی و دعوت از تروریست‌های مخالف یک دولت، اقدام به پناه دادن و یا در اختیار گذاشتن پایگاه‌هایی در سرزمین خود به آن گروه تروریستی، جهت مقابله با دولت قانونی یک کشور اقدام می‌نمایند.

دیوان در قضیه فعالیت‌های مسلحانه در کنگو، اصول حقوق بین الملل در اعلامیه روابط دوستانه را بیانگر حقوق بین الملل عرفی دانسته است. مطابق با این اعلامیه هر دولت موظف است از سازماندهی، تشویق، تحریک، کمک یا شرکت در اقدامات تروریستی یا مخاصمه داخلی در دولت دیگر یا رضایت به اقدامات سازمان یافته در محدوده سرزمینی خود و علیه دولت دیگر خودداری ورزد.^۱ این قسمت از قطعنامه یادآور قاعده اصل عدم استفاده زیان بار از سرزمین^۲ است که در قضیه کانال کورفو در دیوان بین‌المللی دادگستری بیان گردید. در رای دیوان اینگونه آمده است که این وظیفه و تکلیف هر دولتی است که به طور آگاهانه اجازه ندهد قلمروش برای اعمالی که مغایر حقوق دیگر کشورهاست، مورد استفاده قرار گیرد. (Corfu Channel case. 1949) «میثاق عدم تجاوز و دفاع جمعی اتحادیه افریقا» نیز پناه دادن به گروه‌های تروریستی را مصداق تجاوز دانسته است که این قاعده می‌تواند مقدمه‌ای برای دفاع مشروع علیه دولت پناه‌دهنده باشد.^۳ بر اساس قطعنامه‌های مختلف شورای امنیت در مقابله با تروریسم، کمک، همکاری و تشویق به تروریسم، نقض تعهدات مندرج در قطعنامه‌های ۲۶۲۵ (۱۹۷۰) و ۱۱۸۹ (۱۹۹۸) و ۱۳۷۳ (۲۰۰۱) می‌باشد که براساس آنها کشورها باید از سازماندهی، تحریک، کمک یا شرکت در اقدامات تروریستی در کشور دیگر و یا رضایت دادن به استفاده از سرزمین خود برای فعالیت‌های سازمان یافته تروریستی خودداری نماید.

در عملیات آزادی پایدار در افغانستان که با استناد به قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت در سال ۲۰۰۱ صورت گرفت حمله القاعده به ایالات متحده به مثابه حمله مسلحانه علیه دولت دیگر تلقی گردید و دولت افغانستان به عنوان دولت پناه‌دهنده موضوع دفاع مشروع قلمداد گردید. با این حال ممکن است اینگونه تفسیر شود که این مجوز صرفاً راجع به اقدامات تروریستی بین‌المللی و یا با نگرشی مضیق‌تر صرفاً در همان قضیه قابل استناد می‌باشد.

در مقابل می‌توان گفت به طور کلی اگر دولت میزبان اجازه استفاده از سرزمینش را به کنشگران غیردولتی بدهد هرچند اقدامات کنشگران به دولت میزبان منتسب نشود، لیکن دولت میزبان به دلیل عدم انجام مراقبت کافی و در اختیار قرار دادن پایگاه و مکان امن برای طراحی و سازماندهی عملیات، مسئول خواهد بود. (شایگان، ۱۳۹۸: ۶۵) در این موارد گروه‌های غیردولتی همچون بازو و ارگان دولتی خارجی عمل کرده که می‌تواند حق دفاع مشروع موضوع ماده ۵۱ منشور را نیز برای دولت قربانی به همراه آورد^۴

¹ - Declaration On Principles Of International Law Friendly Relations And Co-Operation Among States In Accordance With The Charter Of The United Nations

² .The Principle of Non-Harmful Use of Land

³ . African Union, African Union Non-Aggression and Common Defence Pact, 2005, art. 1(c)(xi). available at <http://www.african-court.org/en/images/documents>

⁴ - ن ک، یوایس ساندوز، (۱۳۸۲)، « مبارزه علیه تروریسم و حقوق بین الملل: خطرات و فرصتها»، مترجم سواری حسن، مجله حقوقی، پاییز، شماره ۲۲، صص ۳۷۲-۳۷۴.

حتی اگر در برابر حملات غیرتروریستی از سرزمین دولت خارجی که آنها را پناه داده است نتوان قائل به دفاع مشروع شد، این تردید راجع به «حملات تروریستی» از داخل چنین دولتی کم تر است؛ چرا که هم ظاهر قطعنامه‌های مذکور و هم رویه دولت‌ها مؤید این نظر است. علاوه بر این با اثبات فقدان عنصر ذهنی تجاوز به تمامیت ارضی و حاکمیت سیاسی و اثبات نیت صرفاً حذف تروریسم در خاک دولت خارجی، موضوع دفاع مشروع قابل دفاع بیشتری خواهد بود. شاید نمونه امروزی آن و مرتبط با منطقه غرب آسیا را بتوان حضور گروه تروریستی جیش العدل به رهبری مالک ریگی در پاکستان دانست که علی‌رغم آگاهی دولت پاکستان از حضور و تردد این گروه در کشور پاکستان اقدامی در سرکوب آن‌ها و جلوگیری از اقدامات تروریستی علیه ایران از خاک پاکستان انجام نمی‌داد.

۳- دفاع مشروع علیه تروریست‌های مستقر در دولت ناتوان

در بسیاری از مواقع دولت میزبان خود با گروه‌های تروریستی مستقر در خاک کشورش درگیر و در منازعه می‌باشد اما دولت‌های میزبان خود قادر به مبارزه با گروه‌های تروریستی نیست. در این مورد گروه‌های تروریستی با استفاده از ضعف و ناتوانی یک دولت که قادر به سرکوب آن‌ها نمی‌باشد بر بخش‌هایی از سرزمین آن دولت تسلط پیدا نموده‌اند و علاوه بر اقدام تروریستی علیه دولت مرکزی، با اعزام تروریست‌ها به کشورهای دیگر اقدام به عملیات‌های تروریستی علیه دولت دیگر می‌نمایند، در این مورد می‌توان به حضور گروه‌های تروریستی القاعده، داعش و جبهه النصره در افغانستان، عراق و سوریه اشاره نمود که از ضعف و ناتوانی دولت‌های مرکزی استفاده کرده و اقدام به عملیات‌های تروریستی در کشورهای دیگر می‌نمایند. در این حالت ممکن است دولت خارجی با دعوت و هماهنگی دولت میزبان با تروریست‌ها وارد مبارزه شود و ممکن است به رغم میل دولت میزبان اما با استناد به ناتوان بودن دولت میزبان، وارد مبارزه با آنها شود.

از ویژگی‌های دولت ناتوان آن است که قادر به کنترل همه بخش‌های سرزمین خود و اجرای وظایف اساسی و فراهم نمودن امنیت برای بخش اعظم جمعیت خود نیست. از نقطه نظر برخی صاحب نظران عدم توانایی دولت میزبان در جلوگیری از حملات کنشگران غیردولتی می‌تواند توجیه‌کننده دفاع مشروع در محدوده سرزمینی دولت مذکور باشد. دولت‌ها نیز در موارد متعدد عدم توانایی دولت میزبان را توجیه‌کننده حملات خود دانسته‌اند. (زمانی، ۱۳۹۴: ۵۳) البته نباید فراموش کرد این تعبیر از دفاع مشروع موسع تر از این مفهوم در ماده ۵۱ منشور ملل متحد است که دفاع مشروع را در برابر حمله مسلحانه جایز دانسته است.

در این موارد دولت قربانی به نمایندگی از سوی دولتی که گروه‌های تروریستی در خاک آن کشور مستقر می‌باشند، اقدام به مقابله با آن گروه‌های تروریستی می‌نماید و تهدیدات تروریستی را خنثی می‌نماید. به عبارت دیگر اگر دولت میزبان دولتی ناتوان باشد دفاع مشروع با رعایت شروط ضرورت و تناسب در برابر بازیگران غیردولتی حتی می‌تواند به برقراری امنیت در آن کشور کمک کند. (محمد علی پور، ۱۳۸۹: ۱۳۴) این اقدام دولت مرکزی به همراه دولت خارجی قربانی حملات تروریستی در صورتی در چارچوب دفاع مشروع جمعی قابل تفسیر است که منازعه به سطح مخاصمه مسلحانه رسیده باشد چرا که به نظر می‌رسد در ادبیات سازمان ملل متحد حمله مسلحانه که شرط دفاع مشروع است اخصّ از تجاوز است و تجاوز به طور کلی اخصّ از مخاصمه مسلحانه است.

نمونه بارز این همکاری در سرکوب داعش در عراق با همکاری ایران بوده است. دولت ایران در پاسخ به دعوت دولت عراق و اقلیم کردستان در سال ۲۰۱۴ به کمک این کشور شتافت و همراه با گروه های مردمی آن کشور اقدام به مبارزه با داعش و گروه های وابسته به آن نمود و توانست علاوه بر کمک به این کشور در نابودی این گروه تروریستی، حملات این گروه تروریستی را قبل از آنکه به خاک ایران برسند دفع و از ورود آن ها به ایران جلوگیری به عمل آورد. دولت ایالات متحده آمریکا نیز به همراه دولت های عربی و غربی در سال ۲۰۱۴ به نیروهای داعش در سوریه و عراق حمله نمود. این دولت در مرحله نخست مدعی بود که بنا بر اوضاع و احوال دولت سوریه (نظامی و سیاسی)، این کشور در زمره دولت های ناتوان قرار داشته و لذا به استناد اصل دفاع جمعی، دکتترین مداخله بشردوستانه و همچنین دفاع پیش‌دستانه، توسل به زور در قلمرو چنین دولت‌هایی ناقض حقوق بین الملل نمی‌باشد (Scharf, 2016: 5). این نگرش مبتنی بر نظریه مسؤولیت حمایت در حقوق بین‌الملل است که اعتبار آن مورد اتفاق نظر همه اندیشمندان حقوقی نیست.

یک هفته بعد از حملات تروریستی ۱۳ نوامبر ۲۰۱۵ در پاریس که مسؤولیت این حملات را داعش به عهده گرفت، قطعنامه ۲۲۴۹ در شورای امنیت به اتفاق آرا به تصویب رسید. در این قطعنامه به فصل هفتم منشور سازمان ملل که به کارگیری نیروی نظامی را تایید می کند، ارجاعی داده نشده اما به کشورهای عضو این سازمان اجازه داد «همه تدابیر لازم» برای مبارزه با داعش را در پیش بگیرند. رویه و اقدام عملی بعدی اعضا در تشکیل ائتلاف ضد داعش و حمله به مقرهای این گروه در عراق و سوریه، نشان از پذیرش و تفسیر قطعنامه بر اقدام نظامی علیه دولت پناه‌دهنده تلقی گردید. برخی معتقدند این قطعنامه اصل را بر این می گذارد که حملات تروریستی پاریس در حکم حمله مسلحانه است. «بعضی از کشورهای غربی از کشور سوریه درخواست مجوز می کنند تا به مواضع داعش در سوریه حمله کنند و سوریه هم مجوز نمی دهد. کشورهای غربی فرانسه، بلژیک، آمریکا، انگلستان و استرالیا که توانایی مقابله را داشتند نامه هایی را به شورای امنیت می فرستند و در این نامه ها همگی تاکید دارند که بر اساس ماده ۵۱ منشور ملل متحد اقدام می کنیم و به زور متوسل می شویم. هیچ کس عکس‌العملی نشان نمی‌دهد. عملکرد در حقوق بین الملل نقش اساسی دارد و این سکوت های مرگبار در شکل گیری یک سلسله قواعدی که مطمئنا به نفع ما نیست، بسیار ضرر و زیان به دنبال دارد». (ممتاز، سخنرانی، ۱۳۹۵)

به نظر می‌رسد همچون پناه دادن که امکان دفاع مشروع علیه اقدامات تروریستی مشروط به فقدان نیت تجاوز به دولت میزبان وجود داشت همین نظریه راجع به دولت ناتوان نیز وجود داشته باشد. نظریه مسؤولیت حمایت نیز در راستای همین نظریه دفاع مشروع با فقدان اراده تجاوز به دولت میزبان است.

شاید از نمونه‌های امروزی و مرتبط با منطقه، حمله ایران به گروه تروریستی داعش در استان دیرالزور کشور سوریه است که در ۲۸ خرداد سال ۱۳۹۶ پس از کسب رضایت و اجازه از دولت سوریه نسبت به آن اقدام نمود.

۴- دفاع مشروع علیه تروریست‌های مستقر در دولت بی‌اطلاع

در این مورد دولت میزبان از حضور گروه های تروریستی در سرزمین خود به دلیل دور افتاده بودن مناطقی از خاکش، از آنچه اتفاق افتاده و یا به دلایل دیگری آگاهی ندارد. در این زمینه دنیشتین بیان می‌کند زمانی که تروریست‌ها بخشی از سرزمین الف را تبدیل به منطقه‌ای برای اعمال حملات علیه کشور ب می‌کنند و در این میان دولت الف به

دلیل دور افتاده بودن منطقه از آنچه اتفاق افتاده اطلاعی ندارد. کشور الف را نمی‌توان بر اساس قاعده‌ای مستقل از قضیه کانال کورفو مسئول حملات کنشگران دانست و دولت میزبان مسئولیتی ندارد چرا که این دولت آگاهانه اجازه استفاده از سرزمینش را صادر نکرده است و بر اساس رأی دیوان در قضیه کانال کورفو هر دولت متعهد است که به دولت دیگر آگاهانه اجازه ندهد از سرزمین برای اقدام علیه دولت‌های دیگر استفاده کند و ذکر واژه آگاهانه در بیان دیوان دولت ناآگاه را از این مسئولیت مبرا می‌دارد. (شایگان، ۱۳۹۸: ۶۵)

در برخی از منابع حقوق بین‌الملل تعهد به پیشگیری از برخی تخلفات برای دولت‌ها پیش‌بینی شده است. در قطعنامه ۲۱۷۸ (۲۰۱۴) شورای امنیت مصدافی از تعهد به پیشگیری از عملیات‌های تروریستی از خاک کشور بیان شده است. این قطعنامه از کشورهای عضو سازمان ملل متحد خواسته است، مانع از ورود یا عبور هر فردی که اطلاعات معتبری در خصوص تروریسم از وی داشته باشند، شوند. همچنین همه کشورها لازم است اطمینان حاصل کنند مسافرت برای اقدامات تروریستی یا آموزش‌های مربوطه و تأمین اعتبار یا تسهیل چنین فعالیت‌هایی را عمل مجرمانه تلقی و سیستم‌های حقوقی آنها پیگرد قانونی لازم را فراهم کنند. در واقع تلاش برای شناسایی و تعقیب تروریست‌ها جزئی از تکالیف بین‌المللی شده است.

همچنین قطعنامه ۶۰/۲۸۸ (۲۰۰۶) مجمع عمومی سازمان ملل که به عنوان استراتژی جهانی مبارزه با تروریسم با اجماع به تصویب مجمع عمومی رسید (<https://undocs.org/en/A/60/PV.99>) از کشورها می‌خواهد از سازماندهی، تحریک، تسهیل، مشارکت در تأمین مالی، تشویق یا تحمل فعالیت‌های تروریستی خودداری کرده و اقدامات عملی مناسبی را برای اطمینان از استفاده قلمروهای مربوطه برای پایگاه‌های تروریستی یا اردوگاه‌های آموزشی یا آماده سازی یا سازماندهی اقدامات تروریستی که قرار است علیه سایر کشورها یا شهروندان آنها مرتکب شوند، جلوگیری به عمل آورند.

در تمامی قطعنامه‌های مذکور، اشاره ای به اجازه به دولت‌های قربانی در اقدام نظامی علیه تروریست‌های مستقر در سرزمین دولت خارجی نکرده است و فقط متضمن مسئولیت دولت میزبان در قبال دولت قربانی است. به نظر می‌رسد بعد از اخطار به دولت میزبان و آگاه ساختن آن و عدم اقدام دولت میزبان در صورت ناتوان نبودن آن دولت، منعی در توسل به حق ذاتی دفاع مشروع علیه تروریست‌ها به شرط عدم تعرض به تمامیت ارضی و حاکمیت سیاسی آن دولت وجود نخواهد داشت.

دفاع از خود به عنوان یک حق طبیعی و دفاع مشروع به عنوان یک حق قانونی در تمامی نظام‌های حقوقی به رسمیت شناخته شده است. دفاع مشروع در حقوق بین الملل به عنوان یک اصل کلی در روابط میان کشورها حاکم است و حقوق بین الملل عرفی و قراردادی این حق را به کشورها داده است که هر زمان در معرض حمله مسلحانه قرار می‌گیرند، نسبت به دفاع از خود اقدام نمایند. با توجه به مقید نبودن این حمله مسلحانه در ماده ۵۱ به دولتی بودن حمله، دفاع مشروع نسبت به گروه‌های غیردولتی نیز جایز است. زمانی که این حمله از داخل یک دولت دیگر باشد و خصوصاً این حمله یک حمله تروریستی باشد ابعاد جواز دفاع مشروع از سوی دولت قربانی قابل بررسی است.

طی سالهای اخیر و با گسترش چشم گیر حملات مسلحانه تروریستی خصوصاً پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، عملکرد دولت‌ها و رویه قضایی بین‌المللی و مفاد قطعنامه‌ها بین‌المللی حاکی از پذیرش حق دفاع مشروع کشورها علیه گروه‌های تروریستی بوده است. اعمال این حق نسبت به تروریست‌های مستقر در سرزمین دولت خارجی در شرایط مختلف، تفاوت دارد. چنانچه دولت میزبان خود در حال مبارزه با آنها باشد و احیاناً موفقیت‌هایی را به دست آورده باشد شاید اعطای حق دفاع مشروع به دولت قربانی مغایر با فلسفه وضع ماده ۵۱ باشد چرا که فرض این بوده است که تنها دولت ذی‌نفع در دفاع مشروع، خود دولت قربانی باشد.

اما در حالتی که دولت میزبان گروه‌های تروریستی، ناتوان از سرکوب آنها باشد حق دفاع مشروع با مؤیداتی از دکتین مسئولیت حمایت و دکتین مداخله بشردوستانه همراه می‌شود؛ اما چنانچه دولت میزبان بی‌اطلاع باشد به نظر می‌رسد مشروط به اخطار قبلی به دولت میزبان، حق ذاتی دفاع مشروع برای دولت قربانی وجود خواهد داشت. چنانچه دولت میزبان صرفاً پناهگاهی برای گروه‌های تروریستی شده باشد که با رضایت دولت میزبان در آنجا به سر می‌برند به نظر می‌رسد مشروط به احراز فقدان نیت تجاوز به تمامیت ارضی یا حاکمیت سیاسی دولت میزبان امکان دفاع مشروع علیه گروه‌های تروریستی وجود خواهد داشت. همین نظریه راجع به تروریست‌های مستقر در دولتی که تحت حمایت آن دولت اقدام می‌کنند نیز به طور اولی وجود دارد.

همانطور که حملات تروریستی واجد ویژگی‌های منحصر به فرد است، دفاع در برابر این حملات نیز می‌تواند تفاوت‌هایی با شکل سنتی دفاع مشروع مسلحانه داشته باشد. اگر چه در دفاع مشروع هدف اولیه دفع حمله صورت گرفته می‌باشد، اما حداقل در رویه برخی از دولت‌ها و شورای امنیت این حق برای دولت‌ها در حال شکل‌گیری است که به منظور جلوگیری از حملات آتی، امکان سرکوب و از بین بردن گروه‌های تروریستی که این قبیل حملات را ترتیب می‌دهند، وجود دارد. در این صورت چنانچه فوریت را در دفاع مشروع شرط بدانیم، در دفاع مشروع علیه گروه‌های تروریستی ضرورتی نخواهد داشت.

لذا دفاع مشروع علیه گروه‌های تروریستی در سرزمین دولت خارجی چنانچه با هدف دفاع و یا سرکوب آنها و بدون قصد تعرض به سرزمین دولت میزبان باشد با شرایطی چون ضرورت و تناسب مجاز خواهد بود؛ هرچند به نظر می‌رسد طبق رویه شورای امنیت و رویه دولت‌ها در مواردی فوریت، شرط دفاع مشروع علیه گروه‌های تروریستی نمی‌باشد. در بدترین حالت شاید چنین اقدامی از سوی دولت قربانی در دولت میزبان نقض حاکمیت سیاسی آن دولت باشد اما قطعاً نقض تمامیت ارضی آن دولت نخواهد بود. با توجه به تخصیصی که مبارزه با تروریسم فرامرزی از سوی رویه

شورای امنیت و رویه دولت‌ها خورده است نمی‌توان با قاطعیت دفاع مشروع علیه گروه‌های تروریستی در دولت خارجی را نقض بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد دانست.

منابع فارسی:

- حیدر قلی زاده، جعفر و دیگران، (۱۳۹۶)، «دگردیسی مفهومی تروریسم از منظر حقوق بین‌الملل»، دو فصلنامه حقوق بشر اسلامی، ش ۱۲، س ششم، (بهار و تابستان)، صص ۱۰۱-۱۵۸.
- زمانی، سید قاسم (۱۳۹۴)، «توجیه کاربرد غیرقانونی زور در قالب دفاع مشروع»، نشریه سیاست دفاعی، سال سوم، شماره ۴
- شایگان، فریده (۱۳۹۸)، شورای امنیت سازمان ملل متحد و مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران
- ضیایی، سید یاسر، (۱۳۸۹)، «تأملی بر وضعیت شورشیان از منظر حقوق توسل به زور»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۴۲، س بیست و هفتم، صص ۱۶۷-۱۹۰.
- محمد علی پور، فریده (۱۳۸۹)، دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه
- یاویس، ساندوز، (۱۳۸۲)، «مبارزه علیه تروریسم و حقوق بین‌الملل: خطرات و فرصتها»، مترجم سواری حسن، مجله حقوقی، شماره ۲۹ (پاییز)، صص ۳۳۱-۳۸۲.

منابع انگلیسی:

Articles:

- Eric A. Heinze, (2009), «Non-State Actors and the Evolution of the law of Armed Conflict», paper presented for presentation at the International studies Association Annual Meeting, New York, U.S.A.
- Hakimi Monica, (2015), «Defensive Force against Non-State Actors: The State of Play, International Law Studies», U.S. Naval War College, Vol. 91: 1-31.
- Scharf Michael P., 2016, «How the War against ISIS Changed International Law», Case Western Reserve Journal of International Law, Vol. 48: 2-54.

Documents:

- African Union, African Union Non-Aggression and Common Defence Pact, 2005, art. 1(c) (xi).
- Corfu Channel (United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland v. Albania(1949)

DECLARATION ON PRINCIPLES OF INTERNATIONAL LAW FRIENDLY RELATIONS AND CO-OPERATION AMONG STATES IN ACCORDANCE WITH THE CHARTER OF THE UNITED NATIONS.

Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America)(1991)

Thesis:

Eechaute Hannes, 2015-2016, «Non-international armed conflict: a trigger for the rules on targeting?», Universiteit Gent, Faculteit Rechtsgeleerdheid, Degree of Master of Law, Ghent, Belgium.

Site:

<https://undocs.org/en/A/60/PV.99>